

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به او که جهان در انتظار اوست...

و پیروان حقیقے اش

بزرگ مرزداران و حے و خرد

آنان که به حکم جریان زندگے در جویبار زمان

فیض حضورشان را درک نکردم و از دیدار جمال نورانیشان محروم گشتم:

امام خمینے^(۵)

علامه سید محمد حسین طباطبایے^(۵)

و علامه شهید مرتضے مطهرے^(۵)

سیمای سازمان از نگاه اسلام

در پرتو استعاره امانت

نویسنده:

مرتضی جوانعلی آذر



انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir

سیمای سازمان از نگاه اسلام (در پرتو استعاره امانت) ■ تألیف: مرتضی جوانعلی آذر
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ نمایه‌سازی: رضا دبیا ■ چاپ اول: ۱۳۹۱ ■ قیمت: ۱۱۵۰۰۰ ریال
■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۷۲-۶

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: جوانعلی آذر، مرتضی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور: سیمای سازمان از نگاه اسلام: در پرتو استعاره امانت/
نویسنده مرتضی جوانعلی آذر.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۷۲-۶. ریال: ۱۱۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: قیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۶۷ - ۳۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.
موضوع: مدیریت (اسلام)
موضوع: سازمان -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: امانت‌داری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ س ۹ ج ۶۷/۲۳۲/۶۷ BP
رده بندی دیویی: ۶۵۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۵۰۰۰

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	۱۵
.....	مقدمه	۱۷
.....	فصل اول: استعاره و شناخت استعاری	۲۵
.....	کلیات	۲۵
.....	۱. تعریف استعاره	۲۶
.....	۲. تاریخچه‌ی بحث استعاره	۳۰
.....	۳. تبیین جایگاه مطالعات استعاری در علوم	۳۵
.....	۳-۱. انواع کارکردهای استعاره در علوم	۳۶
.....	۳-۱-۱. کارکردهای استعاره در علوم از منظر اندیشمندان غربی	۳۷
.....	۳-۱-۲. کارکردهای استعاره در علوم از منظر منطق‌دانان مسلمان	۳۹
.....	اول: استعاره در باب تعریف و به عنوان رسم ناقص	۳۹
.....	دوم: استعاره در باب حجت و به عنوان یک استدلال	۴۱
.....	۳-۲. ارزش روش استعاری و استعاره در فهم	۴۳
.....	۳-۲-۱. بررسی میزان معرفت‌بخشی استعاره‌ها در نگاه واقع‌گرایانه	۴۴
.....	اول: مروری اجمالی بر واقع‌گرایی	۴۵
.....	دوم: ارزش استعاره‌ها در نگاه واقع‌گرایانه	۴۵
.....	۳-۲-۲. بررسی میزان معرفت‌بخشی استعاره‌ها در نگاه ضد واقع‌گرایانه	۴۹
.....	اول: مروری اجمالی بر ضد واقع‌گرایی	۵۰
.....	دوم: ارزش استعاره‌ها در نگاه ضد واقع‌گرایانه	۵۱

- ۳-۳. جایگاه استعاره‌های ارائه شده برای شناخت یک موضوع نسبت به هم ۵۲
- ۳-۳-۱. نسبت بین استعاره‌ها در نگاه واقع‌گرایانه ۵۳
- ۳-۳-۲. نسبت بین استعاره‌ها در نگاه ضد واقع‌گرایانه ۵۴
۴. تبیین شیوه‌ی ارائه شدن استعاره‌ها ۵۶
- ۴-۱. بررسی انواع استعاره‌پردازی ۵۷
- ۴-۱-۱. استعاره‌ی ارائه شده، بازخوانی یا تجویز ۵۷
- ۴-۱-۲. استعاره‌ی ارائه شده، تمثیل یا تمثّل ۶۱
- ۴-۲. قواعد ارائه‌ی استعاره‌ها ۶۲
- ۴-۲-۱. استعاره‌پردازی در علوم (به صورت مطلق) ۶۳
- ۴-۲-۲. قواعد استعاره‌پردازی در مطالعات سازمان ۶۶
- اول: قاعده‌ی یکپارچه‌سازی ۶۸
- دوم: قاعده‌ی رابطه‌ای ۶۹
- سوم: قاعده‌ی پیوستگی ۷۰
- چهارم: قاعده‌ی دسترس‌پذیری ۷۱
- پنجم: قاعده‌ی فاصله‌داری ۷۲
- ششم: قاعده‌ی محسوس بودن ۷۳
- ۴-۳. نقش استعاره‌پرداز در ارائه‌ی استعاره ۷۳
- ۴-۳-۱. نقش و جایگاه استعاره‌پرداز در رویکرد تمثلی به استعاره ۷۵
- ۴-۳-۲. نقش و جایگاه استعاره‌پرداز در رویکرد تمثیلی به استعاره ۷۹
۵. تأملی بر کژکارکردهای استعاره‌ها ۸۲
- جمع‌بندی ۸۴
- فصل دوم: استعاره‌ها در متون و علوم دینی** ۸۹
- کلیات ۸۹
۱. بررسی امکان وجود استعاره‌ها در حوزه‌ی دین ۹۰
- ۱-۱. بررسی امکان وجود عبارت‌های دارای مجاز (نظیر استعاره) در قرآن ۹۰
- ۱-۱-۱. بررسی امکان وجود استعاره به معنای ادبی آن در متون دینی ۹۱
- ۱-۱-۲. بررسی امکان وجود استعاره به معنای شناختی آن در متون دینی ۹۳
۲. بررسی جایگاه و موارد بهره‌گیری از تمثیل و شناخت استعاری در متون دینی ۹۵

فهرست مطالب □ ۷

- ۲-۱. بهره‌گیری از تمثیل در قرآن ۹۶
- ۲-۱-۱. ارزش معرفتی تمثیل در قرآن ۹۹
- ۲-۱-۲. علت استفاده از تمثیل در قرآن ۱۰۰
- ۲-۱-۳. انواع تمثیل در قرآن ۱۰۲
- اول: تمثیل‌های در مقام تعریف در قرآن ۱۰۴
- أ. تمثیل جهت روشن شدن حقیقت امور عادی و طبیعی ۱۰۶
- ب. تمثیل جهت روشن شدن حقیقت اعمال ۱۰۷
- ج. تمثیل سنن الهی به پدیده‌های طبیعی ۱۱۱
- د. تمثیل نمادین و تبیین حقایق ۱۱۲
- ه. تمثیل حقایق عوالم بالاتر به امور زمینی (تمثّل) ۱۱۳
- دوم: تمثیل‌های در مقام استدلال در قرآن ۱۱۴
- ۲-۲. بهره‌گیری از تمثیل در روایات معصومین (علیهم‌السلام) ۱۱۷
- ۲-۲-۱. مثال‌هایی از استعاره‌های به کار گرفته شده در روایات ۱۱۷
- ۲-۳. بهره‌گیری از استعاره‌ها در علوم دینی (بررسی سیره‌ی عالمان مسلمان) ... ۱۲۲
- ۲-۳-۱. کاربرد استعاره در عرفان ۱۲۵
- اول: تمثیل چهره و تصاویر آینه‌های متعدد ۱۲۶
- دوم: تمثیل تابش نور بر شیشه‌های رنگین ۱۲۷
- سوم: تمثیل ظهور الف در صورت حروف ۱۲۷
- چهارم: تمثیل ظهور واحد در اعداد ۱۲۸
- پنجم: تمثیل ظهور آب دریا به صورت موج ۱۲۹
- ششم: تمثیل شعله‌ی جواله (آتش در آتش گردان) ۱۲۹
- ۲-۳-۲. کاربرد استعاره در فلسفه‌ی اسلامی ۱۳۰
- اول: استعاره‌ی حد و محدود ۱۳۲
- دوم: استعاره‌ی اثر و موثر ۱۳۳
- ۲-۳-۳. کاربرد استعاره در اصول فقه ۱۳۴
- ۲-۳-۴. کاربرد استعاره در فقه ۱۳۹
۳. بررسی امکان وجود کژکارکرد در استعاره‌های دینی ۱۴۲
- ۳-۱. مثال‌هایی برای وجود کژکارکرد در استعاره‌های متون دینی ۱۴۴

- ۳-۲. مثال‌هایی برای وجود کژکارکرد در استعاره‌های علوم دینی ۱۴۶
- جمع بندی ۱۴۹
- فصل سوم: استعاره‌ها در ادبیات مدیریت و سازمان ۱۵۱**
- کلیات ۱۵۱
۱. نقش شناخت استعاری در مطالعات حوزه‌ی سازمان و مدیریت ۱۵۲
- ۱-۱. تأثیر استعاره‌ها در سهولت‌بخشی به شناخت سازمان ۱۵۵
- ۱-۲. تأثیر استعاره‌ها در ایجاد محدودیت‌های ادراکی در شناخت سازمان ۱۵۹
۲. مروری بر پژوهش‌های استعاری انجام شده در حوزه‌ی سازمان و مدیریت ۱۶۰
- ۲-۱. سازمان به مثابه ماشین: حاکمیت تفکر ماشینی ۱۶۰
- ۲-۲. سازمان به مثابه موجود زنده: مداخله محیط در سازمان ۱۶۲
- ۲-۳. سازمان به مثابه مغز: یادگیری و خودسازماندهی ۱۶۴
- ۲-۴. سازمان به مثابه فرهنگ: خلق واقعیت اجتماعی ۱۶۵
- ۲-۵. سازمان به مثابه نظام سیاسی: منافع، تعارض و قدرت ۱۶۸
- ۲-۶. سازمان به مثابه زندان روح: حکایت غار افلاطونی ۱۶۹
- ۲-۷. سازمان به مثابه جریان سیال: کشف منطق تحول ۱۷۱
- ۲-۸. سازمان به مثابه ابزار سلطه: چهره‌ی زشت سازمان ۱۷۲
- ۲-۹. سازمان به مثابه کولاز: استعاره‌ای پست مدرن برای سازمان ۱۷۴
- ۲-۱۰. سازمان به مثابه راه: تبیین هستی‌شناسانه‌ی سازمان ۱۷۵
- ۲-۱۱. سازمان به مثابه موجودیتی پلاستیکی: انعطاف و قابلیت تغییر در سازمان ۱۷۷
- ۲-۱۲. سازمان به مثابه هاله‌ای از تعهدات: سازمان، خرده سیستمی اجتماعی ۱۷۸
- ۲-۱۳. سازمان به مثابه سلول: نگاهی سیستمی - زیستی به سازمان ۱۷۹
- ۲-۱۴. سازمان به مثابه پدیده‌ای کثیرالوجه: رویکردی چند بعدی به شناخت سازمان .. ۱۸۱
۳. بررسی تقسیم‌بندی‌های مختلفی که می‌توان در مورد استعاره‌ها انجام داد ۱۸۲
- ۳-۱. تقسیم‌بندی استعاره‌ها بر مبنای استعاره‌های وجودی و ماهیتی ۱۸۴
- ۳-۱-۱. تبیین این تقسیم‌بندی و بیان تأثیرات آن ۱۸۴
- ۳-۱-۲. طبقه‌بندی استعاره‌های موجود بر اساس این تقسیم‌بندی ۱۸۵
- ۳-۲. تقسیم‌بندی استعاره‌ها بر اساس استعاره‌های ریشه‌ای و غیر ریشه‌ای ۱۸۵
- ۳-۲-۱. تبیین این تقسیم‌بندی و بیان تأثیرات آن ۱۸۶

فهرست مطالب □ ۹

۱۸۶ طبقه‌بندی استعاره‌های موجود بر اساس این تقسیم‌بندی
۱۸۷ ۳-۲-۳. تقسیم‌بندی استعاره‌ها بر اساس ارائه‌ی راهنمون‌های ایجابی و سلبی
۱۸۸ ۳-۳-۱. تبیین این تقسیم‌بندی و بیان تأثیرات آن (تبیین مفهوم استعاره‌ی ضد)
۱۹۰ ۳-۳-۲. طبقه‌بندی استعاره‌های موجود بر اساس این تقسیم‌بندی
۱۹۱ ۳-۴. تقسیم‌بندی استعاره‌ها بر اساس استعاره‌های وضع موجود و وضع مطلوب
۱۹۱ ۳-۴-۱. تبیین این تقسیم‌بندی و بیان تأثیرات آن
۱۹۴ ۳-۴-۲. طبقه‌بندی استعاره‌های موجود بر اساس این تقسیم‌بندی
۱۹۶ ۳-۵. تقسیم‌بندی استعاره‌ها بر مبنای استعاره‌های دانشی، بینشی - نگرشی و ابزاری
۱۹۶ ۳-۵-۱. تبیین این تقسیم‌بندی و بیان تأثیرات آن
۱۹۷ ۳-۵-۲. طبقه‌بندی استعاره‌های موجود بر اساس این تقسیم‌بندی
۱۹۸ ۳-۶. جمع‌بندی تقسیم‌بندی‌ها و ارائه‌ی جدول کامل طبقه‌بندی استعاره‌ها
۲۰۰ جمع بندی
۲۰۱ فصل چهارم: امانت؛ استعاره‌ای برآمده از آیات و روایات
۲۰۱ کلیات
۲۰۳ ۱. بررسی و تبیین مفهوم امانت
۲۰۳ ۱-۱. تعریف امانت در لغت
۲۰۵ ۱-۲. تعریف امانت از منظر قرآن
۲۰۸ ۱-۳. تعریف امانت از منظر روایات
۲۱۰ ۱-۴. تعریف امانت از منظر فقه
۲۱۳ ۱-۵. جمع‌بندی و ارائه‌ی تعریف منتخب
۲۱۴ ۲. جایگاه امانت از منظر نقل و عقل
۲۱۴ ۲-۱. جایگاه امانت از منظر نقل
۲۱۵ ۲-۱-۱. جایگاه امانت در قرآن
۲۱۶ ۲-۱-۲. جایگاه امانت در روایات
۲۱۹ ۲-۲. جایگاه امانت از منظر عقل
۲۲۲ ۳. ارائه و بررسی شواهدی که دلالت بر نگاه اسلام به سازمان به مثابه‌ی امانت دارند
۲۲۳ ۳-۱. ارائه‌ی و بررسی شواهد قرآنی
۲۲۵ ۳-۱-۱. آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نساء

- ۲۲۹..... ۳-۱-۲. آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی یوسف.....
- ۲۳۰..... ۳-۱-۳. آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی انفال.....
- ۲۳۱..... ۳-۲. ارائه‌ی و بررسی شواهد روایی.....
- ۲۳۱..... ۳-۲-۱. روایاتی که خلافت را امانت می‌دانند.....
- ۲۳۶..... ۳-۲-۲. روایاتی که حکومت بر یک منطقه و یا مسئولیت آن را امانت می‌دانند.....
- ۲۳۸..... ۳-۲-۳. روایاتی که امور و مسئولیت‌های حکومتی را امانت می‌دانند.....
- ۲۴۰..... ۳-۳. جمع‌بندی ادله‌ی ارائه شده برای تبیین نگاه اسلام به سازمان.....
- ۲۴۵..... جمع‌بندی.....
- ۲۴۷..... فصل پنجم: شرایط امانت‌داری و ویژگی‌های امین.....
- ۲۴۷..... کلیات.....
- ۲۴۸..... ۱. شبکه‌ی مفاهیم مرتبط با امانت در قرآن.....
- ۲۴۹..... ۱-۱. بررسی آیات ۱۱، ۱۲، ۶۳ و ۶۴ سوره‌ی یوسف.....
- ۲۵۴..... ۱-۲. بررسی آیات ۵۴ و ۵۵ سوره‌ی یوسف.....
- ۲۵۷..... ۱-۳. بررسی آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی احزاب.....
- ۲۶۰..... ۱-۴. جمع‌بندی نکات به دست آمده از آیات.....
- ۲۶۴..... ۲. شبکه‌ی مفاهیم مرتبط با امانت در روایات.....
- ۲۶۶..... ۲-۱. انواع و مراتب امانت و جایگاه سازمان در میان آن‌ها.....
- ۲۶۹..... ۲-۵. سخنی پیرامون خیانت و انواع آن (استعاره‌ی ضد).....
- ۲۷۰..... ۲-۲. شاخص‌های امانت‌داری.....
- ۲۷۱..... ۲-۲-۱. داشتن ورع، خیرخواهی و خلوص نیت نسبت به امانت.....
- ۲۷۲..... ۲-۲-۲. استفاده شخصی از امانت نکردن.....
- ۲۷۳..... ۲-۲-۳. کوچک نشمردن امانت.....
- ۲۷۳..... ۲-۲-۴. نسپردن امانت به غیر امین.....
- ۲۷۵..... اول: لزوم تحقیق برای احراز امین بودن افراد و اصل حاکم بر این کار.....
- ۲۷۷..... ۲-۳. ویژگی‌های امین.....
- ۲۷۷..... ۲-۳-۱. شاخص‌های کلی.....
- ۲۷۸..... اول: منافق نبودن.....
- ۲۷۹..... دوم: دارای عقاید فاسد دینی نبودن.....

فهرست مطالب □ ۱۱

۲۸۰	سوم: التزام به دین (تدین).....
۲۸۰	چهارم: مؤمن بودن.....
۲۸۲	پنجم: ترس از خدا.....
۲۸۴	۲-۳-۲. جمع‌بندی شاخص‌های کلی.....
۲۸۵	۲-۳-۳. شاخص‌های جزئی.....
۲۸۵	اول: تعهد.....
۲۸۶	دوم: تخصص.....
۲۸۷	سوم: توانمندی.....
۲۸۸	چهارم: شهرت به امانت‌داری.....
۲۹۱	پنجم: خیرخواهی نسبت به مؤمنین.....
۲۹۱	ششم: دقیق بودن در ارائه‌ی مشاوره.....
۲۹۲	هفتم: راستگویی.....
۲۹۳	هشتم: رازداری.....
۲۹۴	نهم: با حیایی.....
۲۹۵	دهم: عقیف بودن.....
۲۹۶	یازدهم: خوش رفتاری با خانواده.....
۲۹۶	دوازدهم: نداشتن دشمنی.....
۲۹۷	سیزدهم: خیرخواه و امانت‌دار نبودن نسبت به خائنین.....
۲۹۸	چهاردهم: بدکار و تباه‌کار نبودن.....
۲۹۹	پانزدهم: فریب کار و نیرنگ باز نبودن.....
۲۹۹	شانزدهم: اهل افترا نبودن.....
۲۹۹	هفدهم: سفیه نبودن.....
۳۰۱	۲-۳-۴. جمع‌بندی شرایط امانت‌داری و ویژگی‌های اشخاص امین.....
۳۰۴	۲-۴. استثنائات امانت.....
۳۰۶	جمع‌بندی.....
۳۰۷	فصل ششم: آثار و نتایج استواری امانت.....
۳۰۷	کلیات.....
۳۰۸	۱. آثار امانت.....

۳۰۸	۱-۱. از عوامل غنا و ازدیاد روزی
۳۰۹	۱-۲. مصونیت نسبت به اتهام
۳۱۰	۱-۳. ضامن نبودن نسبت به خسارات غیر عمدی
۳۱۱	۲. آثار خیانت
۳۱۱	۲-۱. قحطی و خشک سالی
۳۱۱	۲-۲. تباه شدن زندگی
۳۱۲	۲-۳. پذیرفته نشدن شهادت
۳۱۲	۲-۴. حبس
۳۱۲	جمع بندی
۳۱۵	فصل بهتم: جمع بندی و نتیجه گیری
۳۱۵	کلیات
۳۱۷	۱. امانت، استعاره یا حقیقت؟
۳۱۸	۲. تبیین گستره‌ی استعاره امانت
۳۱۹	۳. بررسی میزان شایستگی استعاره‌ی امانت
۳۲۶	۴. تبیین جایگاه استعاره‌ی امانت در میان تقسیم‌بندی‌های گوناگون استعاره‌های سازمان ...
۳۲۸	۵. مقایسه‌ای اجمالی بین استعاره‌ی امانت و استعاره‌های مکاتب دیگر
۳۲۹	۶. آیا استعاره‌ی امانت کژکارکردی شناختی نیز دارد؟
۳۳۵	۷. آیا می‌توان از تعالیم اسلام استعاره‌ی دیگری را نیز برای سازمان استنباط نمود؟
۳۳۸	۸. استعاره‌ی امانت و افق‌های پیش رو
۳۳۸	۸-۱. گذر از استعاره‌ی امانت
۳۳۹	۸-۲. تأثیرات استعاره‌ی امانت بر شیوه‌ی اداره‌ی واحدهای سازمانی
۳۴۱	۸-۳. بررسی تفسیری استعاره‌ی امانت و آثار و نتایج آن در سازمان
۳۴۵	ضمیمه: استعاره‌ها در عمل
۳۴۵	کلیات
۳۴۶	۱. مروری بر مکاتب استراتژیک
۳۴۶	۱-۱. مکتب طراحی: یک فرایند مفهومی
۳۴۷	۱-۲. مکتب برنامه‌ریزی: یک فرایند رسمی

فهرست مطالب □ ۱۳

۳۴۸.....	۱-۳. مکتب موقعیت‌یابی: یک فرایند تحلیلی
۳۴۹.....	۱-۴. مکتب کارآفرینی: یک فرایند شهودی و بینشی
۳۵۰.....	۱-۵. مکتب شناختی: یک فرایند ذهنی
۳۵۱.....	۱-۶. مکتب یادگیری: یک فرایند خودجوش و غیر منتظره
۳۵۳.....	۱-۷. مکتب قدرت‌گرایی: یک فرایند چانه‌زنی و مذاکره
۳۵۴.....	۱-۸. مکتب فرهنگی: یک فرایند جمعی
۳۵۶.....	۱-۹. مکتب محیط‌گرایی: یک فرایند واکنش پذیر
۳۵۷.....	۱-۱۰. مکتب ترکیب بندی: یک فرایند تغییر و دگردیسی
۳۵۹.....	۲. ارائه‌ی استعاره‌ی متناسب با هر یک از مکاتب استراتژیک
۳۶۰.....	۳. نحوه‌ی بهره‌گیری از استعاره‌ها در انتخاب مکاتب استراتژیک
۳۶۳.....	منابع و مأخذ
۳۸۳.....	نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد. از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

پرسش از چیستی پدیده‌ها را می‌توان در ردیف قدیمی‌ترین سوالات بشر طبقه‌بندی نمود. چرا که انسان‌ها از دیر باز خود را با پدیده‌های گوناگون رو به رو دیده و در برخورد با هر یک نیز تلاش کرده‌اند تا به شناختی مناسب پیرامون آن پدیده دست یابند؛ در این مسیر با توجه به گوناگونی پدیده‌ها انسان‌ها نیز برای شناخت هر پدیده‌ای ناگزیر از شیوه‌ای متناسب با ماهیت آن پدیده استفاده کرده و می‌کنند.

برای مثال امور عقلی را می‌توان با شیوه‌های عقلی - قیاسی مورد مطالعه قرار داد و پدیده‌های تجربی را نیز می‌توان با شیوه‌های تجربی - استقرائی بررسی کرد^۱ و

سازمان‌ها نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های دنیای معاصر از این قاعده مستثنی نبوده و در نتیجه محققان برای شناختن آن‌ها نیز نیازمند اتخاذ روشی مناسب در تحقیق و پژوهش هستند؛ متنها مشکل از آن‌جا آغاز می‌گردد که شناخت سازمان از دو طریق قیاسی و استقرائی چندان ممکن نبوده و این روش‌های کشف حقیقت در آشکارسازی پدیده‌ای به نام سازمان چندان کارآمد نیستند^۲. در نتیجه محققان حوزه‌ی مطالعات سازمان در شناخت این پدیده نیازمند روشی کارآمدتر هستند، روشی که بتواند

۱. البته لازم به ذکر است که این نکته به معنای عدم نیازمندی علوم تجربی از مبانی عقلی نیست.

۲. دلیل این موضوع در فصول آتی تبیین خواهد شد.

به گونه‌ای بسیار گسترده‌تر شناختی مناسب نسبت به سازمان و احکام و عوارض آن ایجاد نماید.

می‌توان گفت استفاده از شناخت استعاری در مطالعات سازمان در واقع پاسخی به این نیاز روش‌شناختی محققان این حوزه بوده است.

در این روش استعاره همانند چراغی که یکی از زوایای پنهان اتاقی تاریک را روشن می‌کند به روشن‌تر شدن مفهوم پدیده‌ی مورد مطالعه کمک می‌کند. استعاره اساساً بر پایه‌ی مشابهت میان دو پدیده ایجاد می‌شود و با رویکردی انتزاع زدایانه و مبتنی بر فروکاهیدن و ساده‌سازی مفهومی، فهم پدیده‌ی پیچیده را آسان و قابل دسترس می‌کند (پورعزت و هاشمیان ۱۳۸۶: ۱۵۰).

از همین روست که تاکنون اندیشمندان مدیریت استعاره‌های گوناگونی را برای کمک به شناخت سازمان ارائه کرده‌اند. استعاره‌هایی که هر یک از منظری خاص به سازمان نگریسته و متناسب با آن منظر جنبه‌ها و ابعاد خاصی از سازمان را برای پژوهش‌گران حوزه‌ی مطالعات سازمان و مدیریت روشن ساخته‌اند.

برای مثال آثار ارزشمند مورگان و هیچ از جمله پژوهش‌های مبتنی بر استعاره هستند که نسبت به نگرش‌های تکنیک محور صرف به مدیریت، به‌طور ریشه‌ای‌تری با پدیده سازمان مواجه شده و آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

«گرت مورگان» در کتاب خود به طرح هشت استعاره‌ی پنهان در فضای تفکر و ذهن نظریه‌پردازان مدیریتی اشاره می‌کند که عبارتند از: سازمان به مثابه‌ی ماشین، ارگانیزم، مغز، فرهنگ، نظام سیاسی، زندان روح، جریان سیال و ابزار سلطه (مورگان ۱۳۸۷: ۱۲-۱۴).

«ماری جو هیچ» نیز بر اساس نگاه پست‌مدرن دو استعاره‌ی سازمان به مثابه کولاژ و جاز را به مجموعه مذکور افزوده است (هیچ ۱۳۸۷: ۹۲).

در مطالعات انجام شده در ایران نیز استعاره‌های جدیدی برای سازمان ارائه شده است. از جمله‌ی این استعاره‌ها می‌توان به استعاره‌های سازمان به مثابه‌ی موجودیت پلاستیکی، هاله‌ای از تعهدات (اسمعیلی گیوی ۱۳۸۷: ۳۲)،

سلول (سلیمانی بشلی ۱۳۸۸: ۳۹)، راه (پورعزت و هاشمیان ۱۳۸۶: ۱۴۹)، کانون طیف‌های متقاطع (الوانی و رحمتی ۱۳۸۶: ۱۱۵) و... اشاره کرد. هر چند هر یک از استعاره‌های فوق در ارتقاء دانش ما نسبت به سازمان‌ها نقشی موثر داشته‌اند، ولی با این وجود با توجه به لزوم وجود نگاهی متلائم با فرهنگ اسلامی به پدیده‌ای به نام سازمان، همچنان جای خالی استعاره‌ای برخاسته از متون دینی احساس می‌شود، استعاره‌ای که بتواند از منظری دینی به تبیین مفهوم سازمان و مدیریت بپردازد. برای تبیین ضرورت ارائه‌ی چنین استعاره‌ای می‌توان گفت که با توجه به جایگاه استعاره‌ها در شناخت سازمان، ارائه شدن چنین استعاره‌ای از دو جهت ضرورت دارد:

- جنبه‌ی نظری؛
- جنبه‌ی کاربردی؛

توضیح بیشتر این که استعاره‌ها و مخصوصاً استعاره‌های ریشه‌ای^۱ در واقع پایه‌ی شناختی نظریه‌های سازمان را تشکیل می‌دهند و به واسطه‌ی همین شناخت است که نظریه‌پردازان سازمان، نظریه‌های خود را ارائه می‌کنند. در نتیجه اگر بخواهیم در زمینه‌ی مدیریت اسلامی نیز نظریه‌پردازی کنیم ناگزیر از ارائه‌ی استعاره و یا استعاره‌هایی ریشه‌ای برای سازمان خواهیم بود که پایه‌ی شناختی نظریه‌های ما را تشکیل دهند.

اما از نظر کاربردی و عملی نیز باید گفت که می‌توان ادعا کرد که برای مثال یکی از دلایلی که سازمان‌های اسلامی از فساد بسیار کمتری رنج می‌برند و به همین خاطر نیز موفق‌تر هستند، این است که در آن‌ها سازمان به چشم مفهومی دینی با نام امانت نگریسته می‌شود. در نتیجه اگر بخواهیم این نوع نگاه به سازمان را دوباره در میان مدیران احیاء کنیم؛ هرگونه تلاشی در

۱. استعاره‌ی ریشه‌ای، استعاره‌ایست که شیوه‌ای بارز و بنیادین از دیدن، اندیشیدن و صحبت کردن را ارائه می‌دهد. این استعاره تجلی نوعی تجربه‌ی تثبیت شده است که همه‌ی تجارب دیگر از جهان را درون نگاهی واحد و با گستره‌ای کلان‌تر سازماندهی می‌کند (هج ۱۳۸۷: ۹۲).

این زمینه متوقف بر شناخت یا به عبارت بهتر بازشناسی جامع این نگاه خواهد بود. از همین رو به نظر می‌رسد برای احیای این نگاه باید پیش از هر کاری به بازشناسی جامع مفهوم امانت در منابع اسلامی پرداخته و مفاهیمی را که حول این عنوان بیان شده‌اند را تنظیم و تنسیق نمود. مطالبی نظیر جایگاه امانت و امانت‌داری در اسلام، ویژگی‌های امین، شرایط و بایسته‌های امانت‌داری و

از همین رو در این کتاب تلاش خواهد شد تا با بررسی آیات و روایات، استعاره‌ای متناسب با متون دینی برای شناخت سازمان ارائه شده و از منظر این استعاره برخی از ابعاد و احکام سازمان روشن گردیده و شرایط مدیریت بر سازمان از نگاه اسلام تبیین گردد.

طبیعتاً برای پرداختن به چنین موضوعی نمی‌توان به گونه‌ای مستقیم به سراغ اصل موضوع رفت و تبیین مقدماتی که یک استعاره‌ی دینی را می‌توان مبتنی بر آن‌ها دانست ضروری به نظر می‌رسد. در نتیجه در این کتاب طی فصولی این مقدمات نیز تبیین خواهند شد.

در فصل اول به گونه‌ای اصل موضوعی مطالبی پیرامون شناخت استعاره‌ی، جایگاه و ارزش این شیوه از شناخت، کارکردهای استعاره‌ها، شیوه‌های ارائه شدن یک استعاره، کژکارکردهای استعاره‌ها و ... ارائه خواهد شد.

طبیعتاً زمانی می‌توان از استعاره‌ی دینی برای سازمان سخن گفت که دین زبان استعاره‌ی را برای معرفی پدیده‌ها مجاز شمرده باشد. در فصل دوم وجود استعاره‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها در متون و علوم دینی مورد بررسی قرار گرفته و پس از تأیید امکان وجود استعاره‌ها در متون دینی، مثال‌هایی از به کار گرفته شدن استعاره‌ها در آیات قرآن کریم، روایات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام و برخی از علوم اسلامی نظیر عرفان، فلسفه، اصول فقه ارائه خواهد شد.

پس از تبیین شدن امکان ارائه‌ی استعاره‌ی دینی، در فصل سوم پایه‌ی معرفتی دیگر یک استعاره‌ی دینی برای سازمان، یعنی امکان بهره‌گیری از

استعاره‌ها در شناخت سازمان مورد بررسی قرار گرفته و به گونه‌ای اجمالی سابقه‌ی این موضوع مرور خواهد شد. در ضمن در این فصل تلاش خواهد شد تا با ارائه‌ی تقسیم‌بندی‌هایی جدید، استعاره‌هایی که تاکنون ارائه شده‌اند طبقه‌بندی شده و از این رهگذر تا حدودی از تشتت موجود در ادبیات مطالعات استعاری سازمان کاسته شود و جایگاه هر یک از استعاره‌ها در شناخت سازمان به گونه‌ای دقیق‌تر روشن گردد.

پس از تبیین جایگاه و کارکردهای استعاره‌ها در دو فضای متون و علوم دینی و ادبیات سازمان، در فصل چهارم استعاری امانت به عنوان استعاری برآمده از متون دینی برای شناخت سازمان ارائه خواهد شد، در این فصل تلاش خواهد شد تا ضمن ارائه‌ی شواهد قرآنی و روایی متعدد، این نکته به خوبی تبیین گردد که اسلام به سازمان به مثابه‌ی یک امانت می‌نگرد.

در فصل پنجم ابعاد و مؤلفه‌های امانت‌داری پیرامون سازمان تبیین خواهد شد، برای این کار ابتدا آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و پس از استخراج شاخص‌های امانت‌داری و امین از قرآن کریم، مؤلفه‌های دقیق‌تر این شاخص‌ها از روایات استخراج خواهد شد. در نهایت این مؤلفه‌ها به چند شاخص اصلی قرآنی استخراج شده برگشت داده شده و نسبت طولی (در برابر نسبت عرضی) میان معارف قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام حفظ خواهد شد.

در فصل ششم نیز نتایج نگرش امانت‌گونه به سازمان در پرتو آیات قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام تبیین خواهد شد.

در نهایت در فصل هفتم یا فصل نتیجه‌گیری نیز، ضمن مروری بسیار کوتاه بر ویژگی‌های استعاری امانت، این استعاره با استعاره‌های پیشین سازمان مورد مقایسه واقع شده و جایگاه آن در میان این استعاره‌ها روشن‌تر خواهد شد. سپس در این فصل به این سوال پاسخ داده خواهد شد که آیا می‌توان از متون اسلامی به استعاری دیگر برای سازمان دست یافت یا خیر؟ در انتهای این فصل نیز بخشی به افق‌های پیش روی استعاری امانت

اختصاص داده شده و نکاتی پیرامون این مطلب ارائه خواهد شد؛ نکاتی که می‌توان آن‌ها را ایده‌هایی برای شکل‌گیری پژوهش‌هایی در حوزه‌ی مدیریت اسلامی دانست.

در پایان سزاوار است تا مراتب تشکر خود را از تمامی کسانی که به گونه‌ای مرا در نگارش این کتاب یاری نمودند اعلام نمایم.

ابتدا باید مراتب تشکر و قدردانی خود را نسبت به پدر و مادرم اعلام نمایم؛ چرا که قدمی در زندگی بر نداشته‌ام، مگر این که مشمول حمایت‌ها و دعا‌های خیر ایشان بوده‌ام.

همچنین از همسرم متشکرم، چرا که در طول تالیف این اثر از بزرگ‌ترین مشوقانم بوده است.

بر خود لازم می‌دانم از حضرت آیه الله مهدوی کنی و آیه الله باقری کنی تشکر کنم؛ چه آن که اگر زحمات این بزرگواران برای تأسیس و اعتلای دانشگاه امام صادق علیه السلام نمی‌بود، این اثر هرگز به نگارش در نمی‌آمد.

سپس در نگارش این کتاب خود را مدیون راهنمون ارزشمند جناب آقای سید مرتضی موسوی می‌دانم؛ همسفر دانشمندی که تنها دو ساعت توفیق بهره‌مندی از محضرش را داشتم و ایده‌ی اصلی نگارش اثر حاضر نیز برآمده از همان فرصت کوتاه است.

همچنین باید از تمامی اساتید خود و تمامی کسانی که به نحوی از انحاء از خرمن علم آنان خوشه‌چینی نموده‌ام تشکر نمایم، به ویژه و در درجه اول از دکتر مصباح الهدی باقری کنی که در نگارش این اثر مدیون و مرهون تشویق‌ها و حمایت‌های علمی و غیر علمی ایشان هستم و تأثیر ایشان را بر زندگی علمی خود فراتر از آن می‌دانم که در این مجال اندک قابل بیان باشد.

همچنین مراتب قدردانی خود را نسبت به حجه الاسلام و المسلمین دکتر حسین سوزنچی اعلام می‌دارم، استادی که با نکته‌سنجی‌ها و راهنمایی‌های استادانه‌ی خویش، حق بزرگی بر گردن بنده دارند و اگر نبود

نکات و رهنمودهای گران‌قدر ایشان، قطعاً اثر حاضر از نظر علمی وضعی غیر قابل‌قیاس با وضع کنونی را می‌داشت.

شایسته است تا در این‌جا از دکتر مهدی سپهری نیز تشکری ویژه نمایم، استادی که بدون این‌که ارتباطی رسمی با نگارش این اثر داشته باشند، همواره با رویی گشاده پاسخگوی سوالاتم بوده‌اند و قطعاً با نظرات دقیق خود در ارتقاء سطح علمی اثر حاضر نقشی جدی داشته‌اند.

همچنین از دکتر حسن دانایی‌فرد و دکتر سید محمد حسین هاشمیان نیز که به‌رغم مشغله‌ی فراوان، متن اولیه‌ی این اثر را مطالعه نموده و نکات سودمندی را جهت اصلاح و تکمیل آن ارائه نمودند، کمال تشکر را دارم. جا دارد که در این‌جا از دکتر محمدرضا گیوی نیز تشکر نمایم، چرا که صمیمانه حاصل تحقیقاتشان در حوزه‌ی استعاره را در اختیارم گذاشتند.

از دکتر رضا بنی‌اسد نیز متشکرم که با پی‌گیری‌ها و کمک‌های صمیمانه‌ی خود، موجب تسریع در نگارش و انتشار این کتاب شدند.

این اثر تلاشی است برای برداشتن قدمی بسیار کوچک، برای تحقق هدفی بسیار بزرگ؛ تلاشی که بی‌گمان اگر با توجه‌ها، انتقادهای و ملاحظات ارزشمند دغدغه‌مندان این حوزه اصلاح‌نگردیده و بهبود نیابد، در ادامه‌ی مسیر توفیق چندانی کسب نخواهد کرد؛ از همین رو در پایان پیشاپیش مراتب امتنان، تشکر و قدردانی خود را نسبت به تمامی کسانی که با نظرات و پیشنهادات خود به اصلاح و بهبود این اثر کمک خواهند نمود اعلام می‌دارم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مرتضی جوانعلی‌آذر

تابستان سال تولید ملی،

حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی



استعاره و شناخت استعاری

کلیات

در این فصل ابتدا به تعریف استعاره پرداخته و سپس با ارائه‌ی تاریخی‌چهره‌ای مختصر از این بحث این نکته را ذکر خواهیم نمود که استعاره در طول دوران تطورات مفهومی خویش از ابزاری برای زیبایی آفرینی به ابزاری برای شناخت‌بخشی تبدیل شده است. ذکر این نکته ما را به سمت بعدی این فصل یعنی تبیین انواع استعاره و کارکردهای رایج آن‌ها از دو منظر عالمان غربی و منطق‌دانان مسلمان راهنمون خواهد شد.

پس از تبیین موارد فوق، با توجه به موضوع اثر حاضر به بررسی جایگاه مطالعات استعاری در پژوهش‌های علمی پرداخته، موضوعاتی نظیر ارزش معرفتی روش استعاری، تبیین نسبت استعاره‌های ارائه شده برای تبیین یک پدیده نسبت به هم، کژکارکردهای استعاره‌ها و... را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در ادامه قدری به شیوه‌ی ارائه شدن استعاره‌ها خواهیم پرداخت و ضمن برشمردن قواعد حاکم بر ارائه‌ی یک استعاره‌ی مناسب و مطلوب، جایگاه استعاره‌پرداز را در شیوه‌های مختلف استعاره‌پردازی بیان خواهیم کرد، چرا که با توجه به ماهیت خلاقانه‌ی استعاره‌پردازی چنین به نظر می‌رسد که هر

بحثی پیرامون شیوه‌ی استعاره‌پردازی بدون در نظر گرفته شدن جایگاه استعاره‌پرداز در این فرآیند ناقص خواهد بود.

۱. تعریف استعاره

استعاره^۱ از واژه یونانی متافرا^۲ گرفته شده که خود از متا^۳ به معنای (فرا) و فرین^۴ (برون) مشتق شده است. مقصود از این واژه دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر (فرا برده) منتقل می‌شوند، به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (هاشمیان ۱۳۸۵: ۳۵). به بیانی دیگر استعاره عبارت است از انتقال معنی از عنصری به عنصر دیگر، یعنی عنصری که مفهوم مشخص‌تر و شناخته شده‌تری دارد، تمام یا قسمتی از معنای خود را به عنصر دیگری که اغلب کم‌تر شناخته شده است و دسترسی زیادی به آن وجود ندارد منتقل می‌کند و از این طریق موجب شناخت آن پدیده می‌شود (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۹). از همین روست که لیکاف^۵ و جانسون^۶ که به حق می‌توان آن‌ها را بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان حوزه‌ی استعاره در دوران معاصر نامید معتقدند: «درون مایه‌ی استعاره عبارت است از درک و تجربه‌ی چیزی بر حسب چیز دیگر» (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۹ و ۱۰).

استعاره اساساً بر پایه‌ی مشابهت میان دو پدیده ایجاد می‌شود و با رویکردی انتزاع زدایانه و مبتنی بر فروکاهیدن^۷ و ساده‌سازی مفهومی، فهم پدیده‌ی پیچیده را آسان و قابل دسترس می‌کند (پورعزت و هاشمیان ۱۳۸۶: ۱۵۰).

-
1. Metaphor
 2. Metaphora
 3. Meta
 4. Pherein
 5. Lakoff
 6. Johnson
 7. Reductionism

استعاره و شناخت استعاری را می‌توان از موضوعاتی دانست که علاوه بر داشتن تاریخچه‌ای کهن، در حوزه‌های گوناگون معارف بشری نیز حضوری پر رنگ دارد (موزر^۱، ۲۰۰۰). با این وجود حقیقت این است که در نزد عامه‌ی مردم و حتی بسیاری از پژوهش‌گران عرصه‌های مختلف علمی، استعاره هم‌ردیف مفاهیمی نظیر تشبیه، مجاز، کنایه و ... قرار گرفته و صرفاً از منظری هنری و به عنوان یک آرایه‌ی ادبی به آن نگریسته می‌شود؛ حال آن که استعاره از جهات مختلفی به مباحث شناختی و فلسفی معاصر مرتبط است. به عبارت بهتر علی‌رغم اهمیت مشخص استعاره در شعرشناسی، معانی و بیان و زیبایی‌شناسی^۲، این مفهوم در عرصه‌هایی مانند فلسفه‌ی ذهن (مانند مسئله‌ی وضعیت استعاری مفاهیم عادی ذهنی)، فلسفه‌ی علم (مانند مقایسه‌ی استعاره و الگوی تبیینی)، هستی‌شناسی (مانند استدلال قیاسی) و مطالعات شناختی (مانند نظریه‌ی مفهوم‌سازی) نیز حضوری جدی دارد و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (مورن ۱۳۸۳: ۳۷۲).

از آن‌جا که خلط دو کارکرد اصلی استعاره^۳ در مباحث علمی می‌تواند منجر به بروز مشکلات زیادی گردد، از همین رو مقایسه‌ی این دو کارکرد استعاره و تبیین وجه افتراق معنای ادبی و شناختی استعاره در این قسمت ضروری به نظر می‌رسد.

استعاره در معنای ادبی خود در کنار اصطلاحاتی نظیر تشبیه^۴ و تمثیل^۵ قرار می‌گیرد و تنها تفاوت آن با این دو اصطلاح ادبی در این است که در

1. Moser

۲. البته امروزه حتی در حوزه‌ی هنر نیز استعاره محدود به گفتار نبوده و صرفاً به عنوان آرایه‌ای مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. با مروری بر آثار به نگارش در آمده در حوزه‌ی استعاره، به خوبی می‌توان به این موضوع پی برد که امروزه استعاره در هنرهای تصویری (نقاشی، عکاسی و...)، (کندی، ۲۰۰۸، ۴۴۷ و فروسویل، ۲۰۰۸، ۴۶۴)، نمایشی (فیلم، تئاتر و...)، (چندلر، ۱۳۸۷، ۱۹۳ و ۱۹۴) و ... نیز حضور داشته و تأثیرگذاری خاص خود را دارد.

۳. یعنی کارکردهای ادبی و شناختی؛

4. Simile

5. Analogy

استعاره شیوه‌ی بیان با تشبیه و تمثیل متفاوت است، توضیح بیشتر این که در تشبیه (یا تمثیل) چیزی به چیز دیگری در صفتی خاص شبیه دانسته می‌شود، مثلاً در جمله‌ی «دندان‌هایش چونان مروارید می‌درخشید»، «دندان» مشبه، «چونان» ادات تشبیه، «مروارید» مشبه‌به و «می‌درخشید» وجه شبه است (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۴).

حال اگر گوینده یکی از دو طرف تشبیه را ذکر کرده و طرف دیگر را اراده نماید و مثلاً بگوید «وقتی می‌خندید به مرواریدهای درخشانی که از میان لبانش پیدا بود می‌نگریستم» از لحاظ ادبی استعاره پدید خواهد آمد، در این صورت لفظ را مستعار، مشبه را مُستعار له، مشبه‌به را مُستعار منه، و وجه شبه را جامع می‌گویند (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۴).

در این میان تفاوت تمثیل و تشبیه نیز صرفاً در این است که در تمثیل بیشتر تشابه روابط میان دو چیز مد نظر قرار می‌گیرد و در نتیجه این شباهت روابط است که اهمیت دارد و نه شباهت خود پدیده‌ها (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۸۰)، اما در تشبیه، دو پدیده به واسطه‌ی شباهتی که با هم دارند به هم تشبیه می‌شوند و در نتیجه در این مورد شباهت خود دو پدیده است که اهمیت دارد (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۸۲).^۱

برای مثال می‌توان گفت عبارات زیر یک تمثیل هستند (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۱۴ و ۸۱):

- رابطه‌ی آوند با گیاه همانند رابطه‌ی رگ با جانور است.
 - نسبت ابر سیاه به آسمان چون دل گرفته به انسان است.
- اما بر اساس آنچه گفته شد عبارت زیر یک تشبیه است (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۸۲):
- ابر چون برف یا پنبه سفید است.

۱. ممکن است صاحب‌نظران گوناگون در این زمینه با هم اختلاف نظر داشته باشند، تفاوت بیان شده در این‌جا با توجه به دیدگاه گنت‌نر بیان شده است (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۸۰).

همان‌گونه که تاکنون به خوبی مشخص شده است تمثیل، تشبیه و استعاره از نظر ادبی سه اصطلاح متباین هستند که هر کدام مرز نسبتاً مشخص دارند.

اما در حوزه‌ی مطالعات شناختی وضعیت این چنین نیست، بلکه در این حوزه استعاره، اسم جامع و مفهوم عامی است که تشبیه، تمثیل و استعاره به معنای خاصش را در بر می‌گیرد (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۹ و ۱۲) در نتیجه در حوزه‌ی مطالعات شناختی، دامنه‌ی استعاره از تشبیه روابط (یعنی تمثیل اصطلاحی) تا تشبیه اوصاف پدیده‌ها (یعنی تشبیه اصطلاحی) کشیده شده است (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۸۳ و ۱۵۳) و از همین روست که در این حوزه می‌توان گفت:

- استعاره و تشبیه در ادبیات از هم جدا شده‌اند، اما باید گفت از حیث شناختی استعاره را می‌توان اسمی عام دانست که تشبیه را نیز در بر می‌گیرد (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۱۲).

- تمثیل‌ها نیز از نظر شناختی از مصادیق مفهوم عام استعاره بوده و در شناخت ناشناخته‌ها انسان را یاری می‌کنند. (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۱۵۴).

علت اصلی این موضوع نیز این است که در حوزه‌ی مطالعات شناختی همان‌گونه که از لیکاف و جانسون نیز نقل شد، مهم شناخت یک پدیده در پرتو پدیده‌ای دیگر است که این مطلب در هر سه شیوه‌ی استعاری، تشبیه‌ی و تمثیلی به معنای ادبی آن اتفاق می‌افتد.

با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد دو معنای ادبی و شناختی استعاره به خوبی تبیین شده باشد، از همین رو در این جا به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که با توجه به همین مقدمه است که در فصل استعاره‌ها در متون و علوم دینی، اغلب به ارائه‌ی تمثیل‌های قرآنی و تشبیه‌های روایی به‌عنوان استعاره‌های موجود در متون دینی، خواهیم پرداخت.

۲. تاریخچه‌ی بحث استعاره

تاریخچه‌ی بهره‌گیری از استعاره را می‌توان به درازای حیات بشر بر روی زمین دانست، چرا که تمامی انسان‌ها در مکالمات خود بدون این که توجه داشته باشند استعاره‌پردازی می‌کنند (قاسم زاده ۱۳۷۹: نه پیشگفتار)؛ تا جایی که می‌توان گفت بخش مهمی از ارتباطات کلامی ما را استعاره‌ها تشکیل می‌دهند (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۱).

با این وجود استعاره به‌عنوان موضوعی برای مطالعه و بررسی ابتدا در حوزه‌ی ادبیات مورد توجه قرار گرفته و تا مدت‌ها نیز این روند ادامه داشته است. می‌توان با قطعیت اعلام نمود که بحث پیرامون استعاره حداقل به دوران ارسطو باز می‌گردد و برخی معتقدند که ارسطو برای نخستین بار در کتاب بوطیقا به موضوع استعاره پرداخته است (اکو ۱۳۸۳: ۴۵ و قاسم زاده ۱۳۷۹: ۲)، البته شواهدی نیز مبنی بر وجود ریشه‌های این بحث در اندیشه‌ی افلاطون وجود دارد و عده‌ای نیز معتقدند که ارسطو نظریه‌ی محاکات^۱ یا مثل^۲ افلاطون را اقتباس و بدون هیچ تغییری آن‌را در فن شعر به کار گرفته و وارد عالم هنر نموده است (مهرگان ۱۳۸۲: ۱۱۰).

پس از ارسطو نیز عبدالقاهر جرجانی در کتاب اسرار البلاغه به تحقیقات بسیار ارزشمندی در باب استعاره پرداخته و علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی، جنبه‌های روان‌شناختی تولید استعاره را نیز مورد توجه قرار داده است (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۳ و ۴).

در مورد استعاره دیدگاه‌های نوین‌تری نیز وجود دارد، دیدگاه‌هایی که می‌توان آن‌ها را به دیدگاه‌های کلاسیک، دیدگاه‌های قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم، دیدگاه رمانتیک و دیدگاه‌های قرن بیستمی تقسیم نمود (هاوکس ۱۳۸۰: ۵ و ۶). وجه اشتراک اغلب این دیدگاه‌ها در این است که عمدتاً

1. Mimesis

۲. منظور از نظریه‌ی محاکات همان نظریه‌ی معروف افلاطون در باره‌ی عالم مثل است که بر اساس آن، آنچه که در این دنیا مشاهده می‌کنیم از صورتی مثالی و حقیقی در عالم مثل حکایت می‌کند.

رویکردی ادبی به موضوع استعاره دارند و در نتیجه تبیین هر یک از آن‌ها به گونه‌ای تفصیلی خارج از حوصله اثر حاضر خواهد بود.^۱

آنچه تاکنون بیان شد ممکن است این تصور را ایجاد نماید که تاریخچه‌ی استعاره صرفاً از نظر ادبی به دوران ارسطو باز می‌گردد، این در حالی است که با بررسی آثار ارسطو می‌توان به این جمع‌بندی رسید که وی بر بعد شناختی استعاره نیز تظن داشته است؛ چرا که هنگام بحث پیرامون استعاره چنین گفته است (به نقل از قاسم زاده ۱۳۷۹: ۲):

«کلمات معمولی فقط آن چه را که از قبل می‌دانیم منتقل می‌سازند، اما از طریق استعاره به چیز جدیدی می‌رسیم».

علاوه بر این ارسطو در هنگام ارائه‌ی تقسیم‌بندی چهارگانه‌ی خود از انواع استعاره، هنگام بحث درباره‌ی قسم چهارم این تقسیم‌بندی بدون این که تصریحی بر بعد شناختی استعاره بنماید، وارد حوزه‌ی معرفت‌شناختی استعاره می‌شود و به این نکته اشاره می‌کند که استعاره چه می‌گوید و چگونه و به چه طریقی بر دانش ما نسبت به روابط بین دو امر مختلف می‌افزاید (اکو ۱۳۸۳: ۶۳).

ارسطو بحث در مورد بعد شناختی استعاره را در منطق نیز پی گرفته و در دو جا به آن می‌پردازد. یکی در هنگام بحث پیرامون تعریف و انواع آن و دیگری در باب استدلال و با عنوان تمثیل، که در مورد دوم ضمن بیان احکام خاص تمثیل، آن را در کنار استقراء و قیاس قرار می‌دهد.

بعد از ارسطو نیز این جنبه از استعاره همواره مورد توجه اندیشمندان بوده و روز به روز نیز بر توجهات اندیشمندان به این جنبه از استعاره افزوده شده است، تا جایی که تا سال ۱۹۹۲ حدوداً ۲۰۰۰ مقاله در مورد استعاره به نگارش درآمده است که اغلب نیز رویکردی چند رشته‌ای به این موضوع داشته‌اند (قاسم زاده ۱۳۷۹: ۵).

۱. برای مطالعه‌ی سیر تطور نگاه‌ها به استعاره می‌توان به کتاب «استعاره» نوشته‌ی ترنس هاوکس ترجمه‌ی فرزانه‌ی طاهری، نشر مرکز مراجعه نمود.

منطق‌دانان مسلمان نیز همانند ارسطو در کنار استقراء^۱ و قیاس^۲ از تمثیل^۳ نیز بحث نموده و آن را در صورت رعایت شرایط تمثیل از ابزارهای شناخت به حساب آورده‌اند (سبحانی ۱۳۸۲: ۱۲۷). به همین خاطر با صرف نظر از مطالب بیان شده در مورد افلاطون و آراء او می‌توان گفت استعاره هم به‌عنوان ابزار زیبایی‌آفرینی و هم به‌عنوان وسیله‌ای برای شناخت، اول‌بار در آثار ارسطو مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

از آن‌جا که در این کتاب قصد نداریم تا به بحثی تخصصی در زمینه‌ی مفهوم و تاریخ استعاره بپردازیم، ضمن بیان چند نکته‌ی کلی این قسمت را به پایان می‌بریم.

• نزد منطق‌دانان مسلمان - همان‌گونه که ارسطو نیز معتقد بوده است - استعاره و شیوه‌ی شناخت استعاری در پاسخ به یک بن‌بست معرفت‌شناختی ارائه نشده است. این در حالی است که در فلسفه‌ی فلاسفه‌ای نظیر نیچه امکان کسب هرگونه شناخت قیاسی و استقرائی از عالم واقع منتفی اعلام شده و تنها راه شناخت استفاده از استعاره معرفی شده است؛ به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت نیچه معتقد است که اساساً شناخت عالم واقع و یا به عبارت دیگر رابطه‌ی میان سوژه^۴ و ابژه^۵ امری استعاری است (مهرگان ۱۳۸۲: ۱۰۵). به همین خاطر می‌توان گفت استعاره در نزد وی ابزاری است که صرفاً به ما کمک می‌کند تا بتوانیم برخی امور را پیش‌بینی نماییم و این در حالی است که به هیچ وجه نمی‌توانیم در مورد ارزش و اعتبار گزاره‌های حاصل از آن صحبت نماییم. در نتیجه در بیان تفاوت دو نگاه می‌توان گفت در نگاه نیچه استعاره ابزاری است که به هیچ‌وجه نمی‌توانیم در مورد اعتبار گزاره‌های حاصل از آن به بحث و بررسی بپردازیم، در حالی که در نگاه منطق‌دانان مسلمان در هر دو حوزه‌ی

1. Induction
2. Deduction
3. Analogy
4. Subject
5. Object

تعریف و تصدیق می‌توان با در نظر گرفتن و رعایت شرایطی از تمثیل بهره برده و البته در مورد میزان معرفت‌بخشی آن نیز به بحث و بررسی پرداخت.

- همان‌گونه که در سطور فوق نیز بیان شد تمثیل به عنوان قسیم استقراء و قیاس یک شیوه‌ی مستقل در شناخت عالم است و در مقام ثبوت صرفاً نقشی تکمیلی نداشته و به عنوان مکمل سایر شیوه‌های شناخت محسوب نمی‌شود. البته این بدین معنی نیست که در مقام اثبات نیز از این شیوه‌ی شناخت صرفاً به صورت مستقل استفاده می‌شود؛ بلکه باید گفت که به علت پیچیدگی امر شناخت و البته غیر یقینی بودن دو شیوه‌ی تمثیل و استقراء معمولاً انسان در شناخت پدیده‌ها از هر سه شیوه‌ی قیاس، استقراء و تمثیل به صورت مکمل استفاده می‌نماید. به عبارت بهتر تمثیل در مقام نظر شیوه‌ای مستقل برای شناخت است، در حالی که در مقام عمل معمولاً به عنوان شیوه‌ای مکمل استفاده می‌شود (چرا که معرفت زایی آن به صورت یقینی در گرو این است که به یک قیاس برگردد).

- سومین نکته‌ای که باید در این قسمت به آن اشاره نمایم عبارت است از این که همان طور که در گذشته نیز به‌گونه‌ای اجمالی اشاره شد، در منطق در دو قسمت به موضوع تمثیل پرداخته شده است. یکی در بخش تعریف و با عنوان تعریف به تشبیه (مظفر ۱۴۰۲: ۱۰۰ و ۱۰۱) و دیگری در بخش استدلال و در ضمن استدلال تمثیلی (مظفر ۱۴۰۲: ۲۶۶ تا ۲۶۸). در بخش اول این مطلب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که چگونه می‌توان با ارائه‌ی یک تمثیل یا استعاره پدیده‌ی مورد نظر را تعریف نموده و به‌گونه‌ای راحت‌تر و بهتر به مخاطبان معرفی نمود. در نتیجه این بخش در معرفی مفاهیم پیچیده کاربرد فراوانی دارد و حتی در برخی موارد تبدیل به یگانه راه معرفی برخی از حقایق می‌گردد. در بخش دوم نیز ضمن توسعه‌ی احکام و عوارض مشبّه به مشبّه تلاش می‌شود تا احکام و عوارض مشبّه بهتر شناخته شده، نحوه‌ی تعامل با آن مشخص‌تر گردد. البته باید به این نکته توجه داشت که در مقام کاربرد معمولاً این دو بخش از هم جدا نیستند، چرا

که به محض این که حقیقتی به صورت استعاری تعریف شود، هرگونه اظهار نظری که در مورد آن پدیده در پرتو آن استعاره انجام شود بهره‌گیری از تمثیل به معنای استدلالی آن خواهد بود. برای مثال کسی که سازمان را ماشین^۱ می‌داند از تمثیل در مقام تعریف استفاده کرده است و به محض این که در پرتو این استعاره از لزوم وجود مفاهیمی نظیر نظم، دقت، تقسیم کار و... در سازمان صحبت نماید وارد حوزه‌ی تمثیل در مقام استدلال خواهد شد. در اثر حاضر نیز از هر دو نوع تمثیل استفاده خواهد شد، به عبارت بهتر هنگامی که به تبیین مفهوم سازمان در پرتو استعاره‌ی امانت خواهیم پرداخت، از تعریف به تمثیل استفاده خواهیم کرد و هنگامی که به تبیین احکام سازمان در پرتو احکام امانت خواهیم پرداخت از تمثیل به معنای استدلالی آن بهره خواهیم برد، در نتیجه با توجه به این که برای هر دو تمثیل (تمثیل در مقام تعریف و تمثیل در مقام استدلال) از واژه‌ی تمثیل یا استعاره استفاده خواهیم کرد، در هر کجای این اثر که این دو واژه به صورت مطلق و بدون قیدی متصل به کار رفته باشند، تفسیر نوع آن‌ها با توجه به محتوای متن انجام خواهد شد. برای مثال هنگامی که به تبیین مفهوم سازمان با توجه به مفهوم امانت خواهیم پرداخت، استعاره یا تمثیل ما در مقام تعریف خواهد بود و در غیر این صورت در مقام استدلال.

• نکته‌ی بسیار مهم دیگری که باید در این قسمت به آن اشاره شود این است که با توجه به این که در استعاره‌های سازمان در واقع تعریف به تمثیل مقدمه‌ی استدلال تمثیلی است^۲ (چرا که در هر استدلال تمثیلی یا استعاری در مطالعات سازمان، به گونه‌ای تعریف سازمان به آن مشبّه‌به مفروض پنداشته شده است) هر کجا در اثر حاضر صحبت از شیوه‌های شناخت شده باشد و تمثیل در عرض استقراء و قیاس قرار گرفته است، منظور از آن هر دو بعد تمثیل (یعنی تعریف به تمثیل و استدلال به تمثیل)

۱. این استعاره و اغلب استعاره‌های مشهور سازمان در فصل سوم معرفی خواهند شد.

۲. مروری بر تمام استعاره‌های سازمان به خوبی بیان‌گر این مطلب است.

بوده است؛ چرا که با بیان ذکر شده این دو در مطالعات سازمان در واقع دو مرحله از یک کار (یعنی تلاش برای شناخت استعاری سازمان) هستند. حال و پس از بیان چهار نکته‌ی فوق باید گفت که با توجه به جایگاه مذکور تمثیل و استعاره در میان ابزارهای شناخت، بسیار طبیعی است که در علوم مختلف از استعاره و تمثیل به عنوان ابزاری برای تبیین مفاهیم پیچیده و توسعه‌ی مرزهای آن علم استفاده شده باشد و حتی می‌توان ادعا کرد که به همین خاطر است که ما شاهد وجود استعاره‌ها در علوم مختلف هستیم. دامنه‌ی این علوم محدود به حوزه‌ی خاصی نبوده و از علوم حقیقی (از فلسفه تا فیزیک و شیمی) تا علوم اعتباری را در برمی‌گیرد.^۱

۳. تبیین جایگاه مطالعات استعاری در علوم

در قسمت گذشته پیرامون معنای استعاره، تاریخچه‌ی استفاده از آن و علل بهره‌گیری از این ابزار شناخت به بحث و بررسی پرداختیم، مطالبی که می‌توان گفت بیشتر نقش معرفی استعاره را بر عهده داشتند. اما در این قسمت تمرکز ما بیشتر معطوف به جنبه‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مطالعات استعاری (البته صرفاً به معنای شناختی آن) خواهد بود و از این رو به ارائه‌ی مطالبی در زمینه‌ی ارزش معرفت‌شناختی استعاره‌ها و نحوه‌ی ارائه شدن یک استعاره‌ی جدید خواهیم پرداخت. در قسمت اول یعنی مباحث مربوط به ارزش معرفتی استعاره‌ها، ابتدا به بررسی انواع کارکردهای استعاره در علوم مختلف خواهیم پرداخت و سپس به این سوال پاسخ خواهیم گفت که با وجود این کارکردها، از نظر معرفت‌شناختی استعاره‌ها چه جایگاهی دارند و تا چه میزان می‌توان به نتایج حاصل از آن‌ها اطمینان نمود. با توجه به پاسخ‌های متفاوتی که بر اساس دو نگاه واقع‌گرایی و ضد واقع‌گرایی به این سوال داده شده است، ضمن

۱. البته در علوم اعتباری، استعاره‌ها بیش از آن که ابزاری برای شناخت پدیده‌ها باشند، به عنوان ابزاری برای ساخت واقعیات اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند.